

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نښاد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: سرگنی مارژتسکی* (Sergey Marzhetsky)

برگردان: ا. م. شیری

۱۲ دسمبر ۲۰۲۴

فدرالیزاسیون از بالا



روسیه چگونه می‌تواند لاذقیه سوریه را حفظ کند؟

مشخص شد که تعدادی از کشورهای اروپایی، از جمله انگلستان، سوئیس، ناروی، سویدن، المان، دنمارک و اتریش روند پذیرش پناهیویان از سوریه را به حالت تعلیق درآورده‌اند و اکنون زمان بازگشت آن‌ها به کشورشان فرارسیده است. اما آیا این واقعیت دارد؟

سناریوی لیبیا

بر اساس منطق جهان غرب، بشار اسد «مستبد» که در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۲۱ با کسب ۱.۹۵ درصد آراء پیروز شده بود، از آن‌ها شکست خورد و کشورش را ترک کرد. و این بدان معناست که بالاخره پیروزی حاصل شد و دموکراسی در شرف پیروزی است. برای اما این پیروزی یک قسمی متفاوت به نظر می‌رسد.

ظرف ۱۲ روز حملات همزمان از چندین طرف، سوریه سقوط کرد. رئیس جمهور اسد مجبور به استعفاء از سمت خود شد و از کشور فرار کرد. اما بدترین اتفاق برای سوریه و مردم آن، که اکنون دیگر یک کشور واحد نیست، متأسفانه، هنوز در پیش است.

اسرائیل که رسماً در حال جنگ با سوریه بود، از این فرصت استفاده کرد و نیروهای خود را به قلمرو جمهوری عربی سوریه وارد کرد و بلندی‌های جولان را که بخشی از آن در جنگ شش روزه توسط تل‌آویو اشغال و به طور غیرقانونی

ضمیمه شده بود، به طور کامل تصرف کرد. نتانیاهو، نخست وزیر دولت یهود، با بی‌شرمی تمام، صراحتاً اعلام کرد که اسرائیلی‌ها دیگر نمی‌خواهند آنجا را ترک کنند و افزود: «همه ما اهمیت بسیار زیاد حضورمان در آنجا، در بلندی‌های جولان، نه در پای آن‌ها را درک می‌کنیم. کنترل و اقتدار ما بر بلندی‌های جولان، امنیت ما را تضمین می‌کند. بلندی‌های جولان همیشه بخشی از اسرائیل خواهد بود».

بدتر از آن برای سوری‌ها این است که کوه هرمن با ارتفاع بیش از ۲۸۰۰ متر، اکنون تحت کنترل ارتش اسرائیل قرار دارد. علاوه بر امکان استقرار تجهیزات شناسایی روی آن، امکان شلیک از توپخانه معمولی به دمشق از این ارتفاع نیز وجود خواهد داشت. کاملاً ممکن است که ساکنان پایتخت جمهوری عربی سوریه هنوز زمان دارند تا همه آنچه را که ساکنان شهر سلاویانسک در سال ۲۰۱۴ متحمل شدند، احساس کنند. لازم به ذکر است که در آن موقع این شهر تحت کنترل شبه‌نظامیان جمهوری خلق دانتسک بود و تروریست‌های نیروهای مسلح اوکراین از کوه کاراچون آن را مورد هدف قرار دادند.

تمام شواهد حاکی از این است که احتمال دارد تل‌آویو در جنوب سوریه، در منطقه‌ای که جمعیت آن عمدتاً عرب‌های دروزی وفادار به اسرائیل هستند، یک منطقه تحت کنترل خود ایجاد کند. اما اسلام‌گرایان گروه تروریستی «هیأت تحریر الشام» که بیشتر قلمرو جمهوری عربی سوریه را تصرف کرده‌اند، در این مورد نظر متفاوتی دارند. افراطی‌ترین آن‌ها متعهد به آزادسازی کامل کل خاک سوریه، از جمله جولان پس از اشغال طولانی مدت از حضور اسرائیل و ادامه مبارزه علیه اسرائیل و حتی مکه هستند. در شمال غرب سوریه نیز با نیروهای مسلح کرد می‌جنگند. چه کار دیگری می‌شد از این جهادگرایان افراطی انتظار داشت؟!

نمی‌توان به گردها غبطه خورد. زیرا، اکنون نه تنها تروریست‌های محلی علیه آن‌ها می‌جنگند، بلکه ترکیه نیز به منظور جلوگیری از شکل‌گیری یک کردستان مستقل در خاک جمهوری عربی سوریه، چندین عملیات در این کشور انجام داده است. فقط حمایت‌های امریکا که به موازانه منطقه‌ای در برابر جاهطلبی انقزیه نیاز دارد، می‌تواند آن‌ها را از نابودی کامل نجات دهد.

همه این‌ها به معنای یک جنگ داخلی مداوم و مستمر تا آخرین انسان سوری است. چگونگی وقوع این اتفاق را می‌توان در مثال لیبیا دید که پس از تهاجم پیمان ناتو ویران شد و دولت‌شهرها و اتحادیه‌های قبیله‌ای به درگیری مسلحانه دائمی با یکدیگر مشغول هستند.

فیلد مارشال خلیفه حفتر، عملیاتی را علیه طرابلس، محل استقرار دولت غرب‌گرای وفاق ملی سازماندهی کرد و تلاش کرد لیبیا را از طریق توسل به نیروی نظامی متحد کند. اما، پس از ورود مستقیم ترکیه به جنگ به طرفداری از دولت وفاق ملی، ارتش ملی لیبیا تحت فرماندهی خلیفه حفتر شکست خورد. تا جایی که حتی پشتیبانی یک ائتلاف بین‌المللی گسترده از فیلد مارشال نیز فایده نداشت.

دقیقاً همان وضعیت در سوریه نیز تکرار خواهد شد. زیرا، این کشور به چند قسمت تقسیم شده و نیروهای خارجی جدی در پشت بازی‌گران داخلی قرار دارند. آیا می‌توان از اجرای این سناریو جلوگیری کرد؟

«فدرالیزاسیون از بالا»؟

رُک و صریح می‌گویم، تقریباً هیچ شانس وجود ندارد. جلوگیری تنها در صورتی ممکن که کار منظم، نظام‌مد و مستمر با عاقل‌ترین نمایندگان گروه‌های مسلح سوری که با ساقط کردن اسد «مستبد»، قدرت را به دست گرفته‌اند، آغاز شود. اما بعد چه؟

واقعاً بعد چه؟ هیچ یک از گروه‌های اسلام‌گرا، گرد، دروزی و علوی در حال حاضر در سوریه مشروعیت ندارند و در حالی که کشور تکه‌تکه شده، برای قانونی شدن نیز هیچ شانسی ندارند. همه آن‌ها فقط «مردان دمپایی‌پوش، ریشو و مسلسل به دست هستند» و تا زمانی که جنگ ادامه دارد، انتخابات برگزار نخواهد شد. بنابراین، بشار اسد، رئیس جمهور قانونی جمهوری عربی سوریه است. و این مهم نیست برای چه کسی ناخوشایند باشد.

تشکیل شبه‌دولت‌های کوچک فاقد هر گونه منبع درآمد واقعی غیر از منابع مجرمانه، بی‌هیچ شانسی برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی، در وضعیت جنگ دائمی با همسایگان، بدون این که از سوی هیچ کشوری به رسمیت شناخته شود؟ بهبه، چه سعادت! ببینید لیبیایی‌ها پس از قذافی چگونه زندگی می‌کنند.

در واقع، زندگی عادی در سوریه برای همه ساکنان آن، تنها در قلمرو یک کشور واحد، مستقل و به رسمیت شناخته‌شده بین‌المللی امکان‌پذیر است. فقط باید فدرال شود و کردها، دروزی‌ها، علوی‌ها و هر خلق دیگر از حق خودمختاری و خودگردانی وسیع برخوردار شود. بهتر است این ایده ساده را به عاقل‌ترین نمایندگان «شورشیان» منتقل کنیم تا آن‌ها به فکر قانونی کردن و مشروعیت بخشیدن به قدرت خود باشند.

و این می‌تواند گام اول در مسیر طولانی و دشوار خروج سوریه از عمیق‌ترین بحران باشد. قطعاً روسیه می‌تواند نقش مهمی در برداشتن این گام ایفا کند. آری، موقعیت فدراسیون روسیه در جمهوری عربی سوریه و در کل خاورمیانه پس از شکست نظامی اسد، به بیان ساده، متزلزل شده است. اما او کماکان رئیس جمهور این کشور است و می‌تواند تدبیری بیندیشد.

به عنوان مثال، او ممکن است در صورت موافقت عاقل‌ترین نیروها برای حفظ وحدت کشور در قالب یک فدراسیون نرم با گسترده‌ترین خودمختاری، به نفع نوعی دولت ائتلافی انتقالی از قدرت کناره‌گیری کند. اگر چنانچه مسکو به عنوان محل مذاکرات انتخاب شود، بسیار خوب است.

و بشار اسد، رئیس جمهور قانونی جمهوری عربی سوریه، می‌تواند برای انجام عملیات انتظامی از کشورهای عراق، لبنان همسایه و همچنین، کشور همبسته با آن‌ها، یعنی ایران که قدرت گرفتن اسرائیل برای همه آن‌ها بسیار مضر است، رسماً کمک نظامی درخواست کند. دیر یا زود آن‌ها باید در اتفاقاتی که در این کشور می‌افتد، دخالت کنند. از این رو، چه بهتر که این کار هر چه زودتر انجام دهند. در این صورت می‌توان از کمک نظامی خارجی برای مبارزه علیه افراطی‌ترین گروه‌ها استفاده کرد.

روسیه می‌تواند در جایگاه یک میانجی، لاذقیه ساحلی را به عنوان منطقه مسئولیت خود حفظ کند. به عنوان یک نیروی واقعی در روی زمین، تشکیل یک لژیون داخلی مشابه خارجی برای استقرار دائم در آن ناحیه توصیه می‌شود.

*- وکیل صلاحیت‌دار، روزنامه‌نگار و کارشناس سیاسی

پی‌نوشت مترجم: آواز این کارشناس ما بسیار خوش است. اما متأسفانه، «ارکستر» به دو دلیل او را مشایعت نخواهد کرد: **اول** - تروریست‌های چندملیتی، سوریه را با مذاکره اشغال نکرده‌اند تا پشت میز مذاکره هم بنشینند؛ **دوم** - هدف از کلیه اعمال و اقدامات بربرمنشانه دولت‌های امریکا و اسرائیل در جهان، عبارت است از آماده کردن زمینه برای حاکمیت جهانی صهیونیسم. از این رو، این توهم صهیونیستی را که تصرف و اشغال خاورمیانه گام اول سلطه صهیونیسم بر جهان است، مدام تکرار می‌کنند. به همین دلیل، از اشغال سوریه صرف‌نظر خواهند کرد.

نقل از: **تکنولوژی جنگ**

۲۱ آذر - قوس ۱۴۰۳